

خبر

صادرات نفت ایران به هند رکورد ۱۵ساله را شکست

● **تسلیم؛** درحالی‌که برخی پالایشگاه‌های هندی پس از لغو تحریم‌ها خرید خود از ایران را از سر گرفته‌اند، آمارهای ردگیری نانکرها و گزارش مؤسسه تامسون رويترز نشان می‌دهد که واردات سالانه نفت هند از ایران در سال ۲۰۱۶ افزایش بی‌سابقه را تجربه کرده است. به گزارش رويترز، درحالی‌که برخی پالایشگاه‌های هندی پس از لغو تحریم‌ها خرید خود از ایران را از سر گرفته‌اند، آمارهای ردگیری نانکرها و گزارش مؤسسه تامسون رويترز نشان می‌دهد که واردات سالانه نفت هند از ایران در سال ۲۰۱۶ افزایش بی‌سابقه را تجربه کرده است. این افزایش درخورتوجه خرید از ایران موجب شده تا این کشور در سال ۲۰۱۶ به چهارمین تأمین‌کننده بزرگ نفت هند تبدیل شود؛ درحالی‌که رتبه ایران در سال ۲۰۱۵، پنجم بود. ایران قبل از تحریم‌ها دومین تأمین‌کننده بزرگ نفت هند محسوب می‌شد.

این گزارش حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۶ میلادی، سومین مصرف‌کننده بزرگ نفت جهان روزانه حدود ۴۷۳ هزار بشکه نفت از ایران خریداری کرده؛ درحالی‌که این رقم در سال ۲۰۸،۲۰۱۵هزارو ۳۰۰ بشکه در روز بوده است. در ماه دسامبر، واردات نفت هند از ایران نسبت به مدت مشابه سال گذشته سه برابر شد و به حدود ۵۴۶هزارو ۶۰۰ بشکه در روز رسید. پالایشگاه‌های هندی در سال ۲۰۱۵ به دلیل تحریم‌های غرب و مشکلات بیمه‌ای، خرید نفت از ایران را کاهش داده بودند. شرکت‌های پالایشگاهی رالینس اینداستریز، هندوستان پترولیوم، بهارات پترولیوم و میتال انرژی در سال گذشته تحت تأثیر تحقیف‌های اراائه‌شده از سوی تهران، خرید نفت از این کشور را از سر گرفتند.
حقوق الحقی، تحلیلگر ارشد مؤسسه کی‌بی‌سی انرژی در لندن، گفت: «به اکثر ماه‌های سال ۲۰۱۶ رقابتی بین تولیدکنندگان نفت در منطقه خلیج فارس بر سر سهم بیشتر از بازار در جریان بود و لغو تحریم‌های ایران این رقابت را تشدید کرد». در بازه زمانی آوریل تا دسامبر، صادرات نفت ایران به هند به‌طور متوسط به رقم بی‌سابقه ۵۲۰هزارو ۳۰۰ بشکه در روز رسید که بالاتر از حدود ۴۰۰ هزار بشکه‌ای بود که ایران قبل از تشدید تحریم‌ها به هند صادر می‌کرد. آمارهای دولتی نشان می‌دهد که صادرات نفت ایران به هند در سال ۲۰۱۶ بالاترین رقم از سال مالی ۲۰۰۱-۲۰۰۲ تاکنون بوده است. هند در مجموع در سال گذشته ۴،۳ میلیون بشکه نفت از ایران خریداری کرد که ۷،۴ درصد بالاتر از سال گذشته بود.

رکورد بی‌سابقه افت تولید نفت عربستان

● **مهر؛** وزیر انرژی عربستان اعلام کرد: تولید نفت این کشور به کمتر از ۱۰ میلیون بشکه در روز کاهش یافته که در ۲۲ ماه اخیر، به‌عنوان کمترین رقم محسوب می‌شود. به گزارش پایگاه خبری بلومبرگ، «خالد الفالح»، وزیر انرژی عربستان، گفت: تولید نفت خود را به کمتر از ۱۰ میلیون بشکه در روز کاهش داده‌ایم که این رقم، پایین‌تر از سطح هدف‌گذاری‌شده در تولید نفت عربستان محسوب می‌شود. وی در ادامه خاطرنشان کرد: تمدید تعهد کاهش تولید نفت خود را برای شش ماه دوم سال ۲۰۱۷ میلادی بررسی خواهیم کرد. این گفته‌ها در حالی است که اکنون، تولید نفت بزرگ‌ترین صادرکننده نفت خام جهان یعنی عربستان سعودی به کمترین رقم در ۲۲ ماه اخیر رسیده؛ اگرچه پیش‌ازاین قرار بود عربستان در راستای توافق‌نامه کاهش تولید جهانی نفت، برای بهبود بهای آن، تولید خود را با کاهش ۴۸۶ هزار بشکه در روز، به ۱۰،۵۸ میلیون بشکه در روز برساند.

نمایشگاه بین‌المللی لوستر در تهران

● محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران این هفته میزبان نمایشگاهی مملو از نور و زیبایی است و در آن صنعتگران و هنرمندان صدها شرکت داخلی و خارجی، نوین‌ترین و جدیدترین تولیدات لوستر و چراغ‌های تزئینی را به نمایش خواهند گذاشت. این نمایشگاه از ۲۷ تا ۳۰ ت ماه و با حضور و مشارکت ۲۴۰ شرکت داخلی و خارجی در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار می‌شود. در بیست‌وچهارمین نمایشگاه بین‌المللی لوستر، چراغ‌های روشنایی و تزئینی ایران ۱۸۵ شرکت داخلی و ۵۵ شرکت خارجی از جمهوری اسلامی ایران و کشورهای چین، اسپانیا، هنگ‌کنگ و ایتالیا حضور و مشارکت دارند. این نمایشگاه، با هدف توسعه و افزایش تولید این صنعت در کشور، افزایش راندمان تولید، یافتن بازارهای جدید صادراتی، افزایش صادرات، آشنایی با نوین‌ترین صنایع و تجهیزات صنعت لوسترسازی جهان، اشتغال‌زایی و توجه مسئولان به این صنعت برگزار می‌شود. صنعت لوسترسازی ایران که دارای سابقه طولانی است، در سال‌های اخیر از رشد و توسعه مناسبی برخوردار بوده و در حال‌حاضر با لوسترهای تولیدی کشورهای ایتالیا، اسپانیا و چک قابل مقایسه و رقابت است و در حال‌حاضر بیش از ۸۰ درصد لوستر مورد نیاز کشور نیز در داخل تولید می‌شود.

شرق: «همین تشکل موجودی که به‌عنوان تشکل زرد وابسته تعریف می‌شود را هم در این لایحه تحمل نمی‌کنند».
ایسن را علی خدایی، عضو کارگری شورای عالی کار، درباره تشکل‌های موجود کارگری می‌گوید. معتقد است با تغییراتی که در قانون کار در قالب اصلاحیه قانون کار صورت گرفته، همین حقوق اولیه کارگری هم به یغما می‌رود و معیشت و امنیت کارگران به کل رو به نابودی می‌نهد. به گفته خدایی، تحت لوای این لایحه، نه تنها مقوله استاد- شاگردی دوران احمدی‌نژاد که بارها بر آن تأکید شده، دوباره روی کار می‌آید، بلکه کار کودک هم به رسمیت شناخته می‌شود. او اظهار می‌دهد که مسئولان به اعتراض‌هایی که در قالب نوشتن طومار، بیانیه و تجمع رخ می‌دهند، توجه کنند».
متن سخنرانی این فعال کارگری را در ادامه می‌خوانید.

قانون کار فعلی کارآمد است

لایحه اصلاحیه قانون کار اکنون ماه‌هاست ذهن جامعه کار و تولید را مشغول کرده است. برخلاف برخی کارشناسان که به قانون کار فعلی هم نقد دارند، قانون کار فعلی را در بسیاری از موارد کارآمد می‌دانم. به نظرم آیین‌نامه‌هایی که در این قانون نوشته شده و سوءاستفاده‌هایی که بعضا از ابهامات موجود در قانون شده، منجر به خلأهایی در قانون کار فعلی شده است. خلاها وجود دارد؛ اما اینکه چرا به وجود آمده، به خاطر ضعف قانون نیست. مثلاً در بحث امنیت شغلی، سوءاستفاده‌ای که از تبصره ۲ ماده ۷ شده است، منجر به رواج قراردادهای موقت شده که تبعاتی را به دنبال داشته است؛ در ماده ۷ تبصره یک، دولت مکلف شده حداکثر مدت موقت را برای کارهای با جنبه موقت تعیین کند. این ماده، این دید را به ما می‌دهد که اصل بر دائمی‌بودن قرارداد است و برای کارهای موقت هم بناسبت سقفی تعیین شود؛ یعنی دولت موظف بوده طبق قانون کار فعلی، ماهیت کارها را استخراج کند؛ یعنی کار سخت، آسان، موقت و غیرموقت را مشخص کند. در ماده ۴۱ قانون کار فعلی هم داریم که شورای عالی کار موظف است دستمزد را براساس مناطق و صنایع مختلف تعیین کند. باید اصل بر دائمی‌بودن قرارداد می‌بود و برای کارهای موقت سقف تعیین می‌شد. دوستان ما در سال ۷۳ متأسفانه از این بند غفلت کردند و سوءاستفاده بزرگی صورت گرفت. تبصره ۲ ماده ۷ می‌گوید اگر در کارهای با جنبه مستمر، مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائم تلقی می‌شود؛ اما برداشت آقایان این بود که یعنی مجوز ضمنی برای قراردادهای موقت؛ درحالی‌که اگر کارگری برای کار موقت آوردید و مدتی در قرارداداش ذکر نکردید، قرارداد او دائم قلمداد خواهد شد. اگر از قانون کار فعلی‌مان تفسیر بهتری داشته باشیم، پاسخ‌گوی بسیاری از مشکلاتمان است. درباره ماده ۴۱ قانون کار و ابهامی که در بحث معیشت است، باید گفت امروز اکثر کارشناسان تغذیه و امور اجتماعی حداقل‌های زندگی را تعریف کرده‌اند. قرار نیست همه‌چیز را خودمان از نو اختراع کنیم. این تعاریف وجود دارد. بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار خیلی صریح می‌گوید در هر صورت مزد تعیین‌شده بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های جسمانی و... باید در حدی باشد که بتواند حداقل‌های یک زندگی را به تعداد نفرات متوسط خانوار که مراجع قانونی تعیین خواهند کرد، تأمین کند. این یک بند عام است؛ ما بند یک ماده ۴۱ می‌گویید نرخ تورم. بند دومش مکمل بند اول است؛ پیش‌بینی کرده ممکن است نرخ تورم نتواند پاسخ‌گوی معیشت باشد؛ به خاطر همین عبارت «درهرصورت» را ذکر کرده است. به دو کلمه در این دو بند توجه کنید؛ بند یک می‌گوید «با توجه به نرخ تورم»، یعنی قید نکرده «مطابق نرخ تورم». در بند دوم، کلمه «باید» آمده. خلأ عمده در قانون کار فعلی در فصل ششم قانون کار، است.

معیشت کارگر در دست کارفرما

سه مطلب اساسی در این مباحث وجود دارد که متأثر از هم هستند؛ بحث امنیت شغلی، معیشت و تشکل‌یابی. این سه، سه ضلع مثلثی هستند که از هم تأثیر می‌پذیرند. ساده است وقتی تشکل نداشته باشیم، نمی‌توانیم مذاکره کرده و حقوق اولیه و امنیت شغلی را به دست بیاوریم. ضعف تشکل‌های موجود ما چیزی نیست که بخواهیم از آن دفاع کنیم، تا شرایط ما این‌طور است و با این قانون کار می‌کنیم امکان رسیدن به تشکل کارآمد هم وجود نخواهد داشت. کارگری که امنیت شغلی ندارد طبعاً نمی‌تواند برای ایجاد تشکل صنفی مستقل فعالیت کند. امروز من به‌عنوان یک کارگر می‌خواهم یک تشکل صنفی مستقل تشکیل دهم، که محض اینکه نظرات من در تعارض با نظرات کارفرما باشد، می‌تواند با قید اتمام قرارداد با من همکاری نکند و بحث اخراج هم در میان نیست. طبیعی است که در این وضعیت، هیچ کارگری نمی‌تواند به تشکلش برسد. از طرف دیگر، کارگری که برای نان ششش از صبح تا شب کار می‌کند، نمی‌تواند برای ایجاد تشکل با درافتادن با کارفرما یا طرف دیگر ریسک کند. اینها از هم تأثیر می‌گیرد، اینکه کدام یکی از این سه ضلع باید باشد تا دوتای دیگر اتفاق بیفتد. بحث تشکل‌یابی خیلی مهم است؛ اما تا دوتای دیگر اصلاح نشود، امکان رسیدن به تشکل مستقل وجود ندارد.

حقی روی کاغذ داریم که توان گرفتنش را نداریم

حالا همین امنیت شغلی نیم‌بند کارگران هم که در تبصره یک ماده ۷ به آن اشاره شده بود، در لایحه اصلاحیه قانون کار، حذف شده است. به‌نحوی‌که اولین بند لایحه اصلاحیه قانون کار به حذف تبصره یک ماده ۷ اشاره دارد؛ یعنی دولت تکلیفی که برای تعیین حداکثر مدت برای کارهای موقت را این همه سال بر

اقتصاد



علی خدایی در بررسی لایحه اصلاح قانون کار هشدار داد

کار کودکان رسمی می‌شود

گردن خود داشته و به آن عمل نکرده، به کل پاک کرده است. به‌این‌ترتیب، یک ضلع مثلث که انتظار داشتیم روزی حل شود، به کل حذف شده و حتی انتظارات ما هم بلاوجه می‌شود. شاید عده‌ای بگویند این تبصره بیست‌وچند سال امضا نشد و شما چرا از وجودش دفاع می‌کنید. ساده و بدیهی است. ما حقی روی کاغذ داریم که امروز توان گرفتنش را نداریم. حداقل وظیفه من می‌تواند این باشد که این‌را در روی کاغذ حفظ کنم تا روزی که بتوانم به توانمندی‌ای برسیم که این حق را مطالبه کنم. اینکه حق من را بیست و چند سال نداده‌اید مجوزی نمی‌شود که اصل صورت‌مسئله را پاک کنید. یعنی نه‌تنها این لایحه راهکاری برای امنیت شغلی پیش‌بینی نکرده موضوع را هم حذف کرده است.

امنیت شغلی کارگران زیر تیغ

در ماده ۴۲ قانون کار به خاتمه قرارداد به شکل اخراج پرداخته اما برای آن، قیدی در نظر گرفته است. قیدی مبنی بر اینکه در صورتی‌که کارگر بعد از اخطارهای کتبی مکرر، آیین‌نامه انضباطی کارگاه را نقض کند، کمیته انضباطی تشکیل می‌شود و نهاد صنفی کارگاه می‌تواند کارگر را اخراج کند. تمام این موارد از این ماده حذف شده یعنی اخطار کتبی دیگر نیاز نیست، تأیید تشکل صنفی دیگر نیاز نیست و کارفرما

هر زمان اراده کند، می‌تواند با استناد به آیین‌نامه انضباطی که خودش نوشته، راگر را اخراج کند؛ یعنی دوباره تهدید مجدد امنیت شغلی و تضعیف تشکل. همین تشکل موجودی که به‌عنوان تشکل زرد وابسته تعریف می‌شود را هم در این لایحه تحمل نمی‌کنند. در این فضا توقع‌داشتن تشکل مستقل را هم داریم. درباره ماده ۴۱ قانون کار شرط نرخ تورم هم به چشم می‌آید؛ یعنی اگر در کارهای با جنبه مستمر، مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائم تلقی می‌شود؛ اما برداشت آقایان این بود که یعنی مجوز ضمنی برای قراردادهای موقت؛ درحالی‌که اگر کارگری برای کار موقت آوردید و مدتی در قرارداداش ذکر نکردید، قرارداد او دائم قلمداد خواهد شد. اگر از قانون کار فعلی‌مان تفسیر بهتری داشته باشیم، پاسخ‌گوی بسیاری از مشکلاتمان است. درباره ماده ۴۱ قانون کار و ابهامی که در بحث معیشت است، باید گفت امروز اکثر کارشناسان تغذیه و امور اجتماعی حداقل‌های زندگی را تعریف کرده‌اند. قرار نیست همه‌چیز را خودمان از نو اختراع کنیم. این تعاریف وجود دارد. بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار خیلی صریح می‌گوید در هر صورت مزد تعیین‌شده بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های جسمانی و... باید در حدی باشد که بتواند حداقل‌های یک زندگی را به تعداد نفرات متوسط خانوار که مراجع قانونی تعیین خواهند کرد، تأمین کند. این یک بند عام است؛ ما بند یک ماده ۴۱ می‌گویید نرخ تورم. بند دومش مکمل بند اول است؛ پیش‌بینی کرده ممکن است نرخ تورم نتواند پاسخ‌گوی معیشت باشد؛ به خاطر همین عبارت «درهرصورت» را ذکر کرده است. به دو کلمه در این دو بند توجه کنید؛ بند یک می‌گوید «با توجه به نرخ تورم»، یعنی قید نکرده «مطابق نرخ تورم». در بند دوم، کلمه «باید» آمده. خلأ عمده در قانون کار فعلی در فصل ششم قانون کار، است.

تصویع حقوق کارگران در لایحه پیشنهادی رسمیت پیدا می‌کند

البته برخی معتقدند توجه ویژه‌ای به مسئله دستمزد کارگران صورت گرفته اما در جهت منفی. اتفاقاً درهمین‌باره خاطره‌ای را به یاد دارم؛ موضوع شکایت دستمزد سال ۹۲. دوستان وزارت کار ادعا داشتند ماده ۴۱ تأکید کرده با توجه به نرخ تورم نکته مطابق آن. اکنون بند دیگری به آن اضافه شده است. قانون کاری که این‌قدر خلأ دارد امروز باعث شده این سه مشکل اساسی برای ما به وجود بیاید و در حال از دست دادن حداقل‌ها باشیم، یعنی تصبیع حقوق کارگران در لایحه پیشنهادی رسمیت پیدا می‌کند. اضافه‌شدن شرط اقتصادی، یعنی اینکه کارفرما یا دولت به‌عنوان دو ضلع قدرتمند این نهاد، این قدرت را دارند که همیشه با توجه به شرایط اقتصادی دستمزد را با افزایش ندهند یا هرچه بخواهند افزایش می‌دهند. پس امنیت شغلی و معیشت هم با این لایحه به‌طور کامل از دست می‌رود. ما خودمان با‌طور اخص خواهان اصلاح فصل ششم قانون کار هستیم منتها اصلاحی که در این لایحه صورت گرفته به هیچ عنوان پاسخ‌گوی نیاز ما نیست. ما شعار می‌دهیم می‌خواهیم به مقابله‌نامه‌های بنیادین حقوق کار بیبینیم. اولین موردی که باید رعایت کنیم این است که هیچ مداخله‌ای نباید از سوی دولت‌ها در امور تشکل‌ها صورت گیرد. یعنی تشکل‌های کارگری باید خودشان شکل بگیرند. دولت همایش‌های مختلفی تحت عنوان توانمندسازی تشکل‌ها برگزار می‌کند که این اولین مغایرت است. شما اجازه دهید، ما خودمان توانمند می‌شویم. برای ما آیین‌نامه نویسی و در امور ما دخالت نکند.

وزارت اقتصاد بیشتر از کارفرمایان مانع افزایش دستمزد است

از طرفی وقتی شعار تقویت سه‌جانبه‌گرایی داده می‌شود، در ماده ۱۶۷ قانون کار، سه نفر نماینده کارگر، سه نفر نماینده کارفرما، وزیر کار و دو نفر افراد وزیر

صادر کنید. این موارد در لایحه وجود دارد و با قانون کار فعلی مغایرت دارد. یعنی قانون کار ما نتوانسته حداقل‌ها را برای ما به ارمغان بیاورد، همه‌های که وارد شده این امید را هم از ما خواهد گرفت که تا ابد نتوانیم به خواسته‌هایمان برسیم. اما این سؤال مطرح است که چرا می‌خواهیم این اصلاح را انجام دهیم. به نظر، گروه‌های کارفرما با این لایحه مخالف‌اند. مسئله روشن شود. این لایحه هنوز از دستور کار خارج نشده و صحبت از توقف آن می‌شود، اما هنوز هیچ تصمیم مستدلی درباره این موضوع صورت نگرفته است. تشکل‌های دیگری هم که فعالیت دارند، به‌طور کامل با این لایحه مخالف‌اند و نظر ما هم مخالفت با اصلاح نیست. ما مخالف این لایحه اصلاحیه هستیم. یک سری اصلاحات هم مدنظر ماست. از روزی که این قانون تصویب شده، با عناوین گوناگون این قانون را ناکارآمد کرده‌اند. از یک طرف مواد قانون را هدف قرار داده‌اند که این قانون با اصلاح می‌شود یا نه اما تنگ‌ترشدن دایره شمول قانون کار، دو وجه دیگر این قضیه است، جاری و ساری است و پشت سر هم اتفاق می‌افتد.

رونق اقتصادی از جیب کارگران

قانون اشتغال مناطق آزاد و ویژه تجاری که تصویب شد، دقیقاً آمال و آرزوهایی است که راجع به قانون کار دارند، همان‌هایی است که در آنجا قبلاً تصویب شده است. شعارها؛ رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و بهبود معیشت است. در همان مناطق آزاد و ویژه تجاری کدام اشتغال ایجاد شده است؟ جز بی‌قانونی است؟ جز این است که با کار کارشناسی به اجتماع آسیب زده‌ایم؟ در قانون کار فعلی مرخصی کارگر در سال ۲۶ روز است اما برای مناطق آزاد ۲۰ روز. با کدام منطق به این قضیه رسیده‌ایم کارگری که دور از خانواده در مناطق آزاد و ویژه کار می‌کند، از ۲۰ روز مرخصی استفاده کند و کسی که در شهر کار می‌کند، ۲۶ روز مرخصی داشته باشد؟ امروز شاهدیم دولت لایحه‌ای به مجلس می‌دهد که خواهان افزایش ۱۰ تا ۱۴ منطقه آزاد و هشت منطقه ویژه است، متأسفانه مجلس این لایحه را برمی‌گرداند و می‌گوید این پیشنهاد را ۴۰ تا کنید. به جای اینکه مشکل را حل کند. مگر نمی‌خواهید معافیت دهید که کارفرمایان اشتغال ایجاد کنند؟ چرا از حقوق کارگر مایه می‌گذارید؟ برای رونق اقتصادی چرا باید از جیب خالی کارگران هزینه شود؟ آمال‌های اقتصادی را بررسی کنید ببینید در معیشت چه وضعیتی داریم؟ تغییرات هرم هزینه‌ها را بررسی کنید. آمارهای بانک مرکزی را بررسی کنید ببینید چه اتفاقی می‌افتد. سهم خوراک‌ای‌ها و آشنامی‌نی‌ها در سبد هزینه ما در سال گذشته ۲۴،۶ بوده و امسال یک درصد کاهش پیدا کرده است. این یک درصد کاهش، چه آسیبی را برای خانوارها در آینده از نظر بهداشت و سلامت خواهد داشت؟ این عدد در سال ۸۳، ۲۷ درصد از هزینه‌ها بوده که به‌شدت کاهش پیدا کرده است. امروز یک خانواده طبق آمارهای بانک مرکزی برای امور تفریحی حداکثر می‌تواند دو درصد از درآمدش را هزینه کند که در گذشته ۲،۹ درصد بوده است. اگر درآمد کارگر را ماهانه یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان تصور کنید، امروز یک خانواده چهارنفره کارگر می‌تواند ماهانه ۳۰ هزار تومان برای تفریح هزینه کند. بعد هم می‌گوییم ماهواره ببینید. با ۳۰ هزار تومان به جز ماهواره چه تفریحات دیگری می‌توانیم داشته باشیم؟ با ۳۰ هزار تومان می‌شود چود بلیت سینما خرید؟ هزینه آموزش باید ۱،۹ درصد باشد. بررسی‌های ما در کارگروه‌های دستمزد که سال به سال تشکیل می‌شود و بررسی میدانی برای وضعیت معیشت کارگران داریم، حکایت از فاجعه دارد. امروز کارگر در یک شغل نمی‌تواند معیشتش را تأمین کند و به شغل دوم و سوم روی می‌آورد؛ یعنی دوری سرپرست خانوار از نهاد خانواده که آسیب‌های زیادی را به همراه دارد. سرانه مصرف در خانوارها بین سال ۸۵ و ۹۴ را مقایسه می‌کنم. در سال ۸۵ سرانه مصرف شیر در کشور ۲۱۵ کیلوگرم بوده که ۱۳۱ کیلوگرم شده.

ادامه در صفحه ۱۸

کدر

حداکثر حقوق مدیران دولتی ۱۲،۵ میلیون تومان شد

● سخنگوی کمیسیون تلفیق برنامه ششم با بیان اینکه حداکثر حقوق جدید دو برابر حداکثر حقوق مدیریت قانون خدمات کشوری است، گفت: حداکثر حقوق ۱۲،۵ میلیون تومان تعیین شده است. محمد خداباشی با اشاره به مصوبه مجلس دراین‌باره گفت: مجموع ناخالص دریافتی ماهانه مقامات و مدیران و کارکنان دستگاه‌های موضوع ماده ۵ و ۳۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، حداکثر دو برابر حداکثر حقوق و مزایای مستمر پرداختی به کارکنان موضوع تبصره ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری است.

ادامه از صفحه ۵

توسعه صادرات کشاورزی با تحریک سرمایه‌گذاری خارجی

... حدود ۳،۶ درصد، اروپا حدود ۱،۰۶ درصد، آفریقا حدود ۱۱،۵ درصد، خاورمیانه ۲،۳ درصد، آسیا حدود ۶،۷ درصد و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع حدود ۹،۲ درصد سهم دارند.مشاهده می‌شود بیشترین سهم مربوط به آفریقای جنوبی و مرکزی است. از طرف دیگر تجارب کشورهای جهانی نشان می‌دهد برای توسعه کمی و کیفی صادرات بخش کشاورزی الزاماتی مانند توسعه کمی و کیفی زیرساخت‌های حمل‌ونقل، انبارداری و ذخیره‌سازی، استانداردها و کیفیت، برندسازی، بسته‌بندی مناسب، تولید صادرات‌محور، قیمت رقابتی، صنایع فراروی، تشکل‌های صادراتی قوی و از این قبیل وجود دارد. طبیعتاً دستیابی به این الزامات نیازمند سرمایه‌گذاری بوده و بدون آن نمی‌توان انتظار توسعه و ارتقای صادرات و افزایش سهم در بازار جهانی داشت. تأمین بخشی از منابع مالی برای توسعه کمی و کیفی می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری خارجی تأمین شود. ضروری بر تجربیات جهانی نشان می‌دهد بسیاری از کشورهای جهان برای توسعه صادرات از سرمایه‌گذاری خارجی استفاده کرده‌اند. برای نمونه می‌توان از کشور تایلند نام برد. اطلاعات نشان می‌دهد در تایلند، به‌طور میانگین در دوره ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم در صنایع فراوری غذایی بیشتر از بخش کشاورزی بوده به طوری که حدود ۱۱۱،۲۹۵ میلیون دلار برای صنایع فراوری غذایی بوده که در همین دوره برای بخش کشاورزی حدود ۸،۱۷۳ میلیون دلار است. سهم صنایع فراوری غذایی حدود ۴۵،۲ درصد و بخش کشاورزی حدود ۰،۴۱ درصد از کل سرمایه‌گذاری خارجی است. در این کشور در دوره ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ حدود ۱۶ پروژه در بخش کشاورزی و تولیدات آن به وسیله سرمایه‌گذاری خارجی تأمین شده است. سرمایه‌گذاری خارجی در بخش کشاورزی و تولیدات آن به ۵،۳ درصد از کل داراست. همچنین را با سهم ۱۱،۴ درصد کل پروژه‌ها را شامل شده و حدود ۲۹۱ میلیارد بات (Baht پول کشور تایلند) از آن سهم ۵،۳ درصد از کل داراست. همچنین اطلاعات نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم در بخش کشاورزی و تولیدات آن به منظور تولیدات صادرات‌محور در دهه ۱۹۷۰ حدود ۱۳ پروژه با ۳۱۷،۸ میلیون بات بوده که در دهه ۲۰۰۰ به ۳۲۱ پروژه با ۸۲،۶ میلیارد بات رسیده است. آمارها نشان‌دهنده رشد سریع سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه تولیدات صادرات‌محور در این کشور است. سرمایه‌گذاری خارجی در بخش کشاورزی و تولید محصولات کشاورزی که برای صادرات تولید می‌شود، باعث ایجاد درآمد و اشتغال شده است. در دهه ۲۰۰۰ سرمایه‌گذاری صادرات‌محور در بخش کشاورزی باعث ایجاد ۸۷ هزار شغل در این کشور شده است. سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور به رشد صادرات تأثیر داشته و سهم شرکت‌های خارجی که از طریق سرمایه‌گذاری در این کشور فعالیت کرده‌اند، حدود ۲۱،۸ درصد بوده است.

آگهی مزایده عمومی شماره ۰۱-۹۵

شناسه آگهی: ۱۶۱۲۰

این شرکت در نظر دارد نسبت به فروش لوازم مشروحه ذیل، از طریق برگزاری مزایده عمومی ا مرحله‌ای اقدام نماید.

فروش: مولدهای مستعمل و اسقاط نیروگاه دیزلی جزیره هرمز به همراه ترانس.

از علاقه‌مندان به شرکت در مزایده فوق دعوت می گردد ضمن در دست داشتن معرفی نامه و فیش بانکی به مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب سبیا ۴۰۰۲-۰۹۵۴-۲۱۷۵ به نام تمرکز انشعاب شرکت برق منطقه ای هرمزگان نزد بانک ملی شعبه مرکزی بندرعباس کد ۷۸۰۱ واریز و معرفی نامه از شرکت متبوعه جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۹۵/۱۰/۲۵ لغایت ۹۵/۱۰/۲۹ به آدرس: تهران- میدان ونک خیابان برزیل- بلوک ۲- طبقه ۳- تلفن ۸۸۶۷۷۱۷۳ و یا بندرعباس- بلوار امام خمینی- شرکت برق منطقه‌ای هرمزگان- امور تدارکات و قرارداده‌ا- تلفن ۳۳۳۳۱۷۰۰ مراجعه فرمایند.

توضیحات

۱- مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ۵درصد مبلغ پیشنهادی به صورت ضمانت نامه معتبر بانکی.

۲- به همراه داشتن معرفی نامه جهت دریافت اسناد مزایده الزامی است.

۳- زمان تحویل پاکات به دبیر خانه این شرکت تا ساعات ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۹۵/۱۱/۱۰ و زمان بازگشائی پیشنهادات راس ساعت ۱۱ صبح همان روز در دفتر امور تدارکات و قرارداده‌ها می باشد.

۴- به پیشنهادات مشروط، مبهم، مخدوش و فاقد سیررده و پیشنهادهاتی که بعد از موعد مقرر به دبیر خانه این شرکت ارسال گردد مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۵- آگهی ما در سایت www.tavanir.org.ir قابل مشاهده می باشد.
روابط عمومی شرکت سهامی برق منطقه‌ای هرمزگان



شرکت سهامی
برق منطقه‌ای هرمزگان

